

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

خلاصه بحث

ابتدای وقت نماز عشاء طبق قول مشهور، پس از گذشت سه رکعت از غروب شرعی است. ولی برخی گفته اند که وقت نماز عشاء، بعد از ذهاب حمرة مغریه است.

انتهای وقت نماز مغرب نیز طبق قول مشهور، چهار رکعت باقیمانده به نیمه شب است، ولی برخی قائل هستند که وقت نماز مغرب تا قبل از ذهاب حمرة مغریه است.

انتهای وقت نماز عشاء هم طبق قول مشهور، نیمه شب است، ولی قول به ثلث لیل، و ربع لیل نیز داریم.

همه این اختلاف ها در مورد انتهای وقت نماز مغرب، و همچنین ابتدا و انتهای وقت عشاء، به اختلاف نصوص بر می گردد.

به نظر ما در تمام این موارد حق با مشهور است و نصوصی که دلالت بر قول مشهور دارند شهرت روایی دارند، و نصوص مخالف قابل حمل هستند.

ابتدای وقت نماز عشاء

در جلسات گذشته بیان شد که مشهور قائل هستند که ابتدای وقت نماز مغرب از زمانی است که حمرة مشرقیه از بالای سر رد بشود، و هنگامی که به مقدار اقامه سه رکعت از این زمان بگذرد، وقت مشترک نماز مغرب و عشاء آغاز می شود و نماز عشاء را در همین زمان می توان اقامه کرد.

اما برخی از اصحاب قائل بودند که آغاز وقت نماز عشاء، پس از ذهاب حمرة مغریه است.

گفتیم که دو طایفه از نصوص را داریم که یک طایفه موافق با قول مشهور است و یک طایفه موافق با قول دیگر است.

به نظر ما راه حل جمع بین نصوص این است که طایفه دوم را حمل بر اول وقت فضیلت کنیم، یعنی بگوییم که نماز عشاء را بلافاصله پس از نماز مغرب می توان بجا آورد، ولی فضیلت به این است که تا ذهاب حمرة مغریه صبر شود و پس از آن نماز عشاء خوانده شود.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

اما اگر کسی این حمل را نپذیرد و تعارض را مستقر بداند، باید طایفه اول را به خاطر شهرت مقدم کند، و طایفه دوم را که موافق با قول عامه است باید حمل بر تقیه نماید.

انتهای وقت نماز مغرب

در مورد انتهای نماز مغرب نیز بین اصحاب اختلاف شده است.

مشهور قائل هستند که تا چهار رکعت باقی مانده به نیمه شب، می توان نماز مغرب را خواند. ولی برخی از اصحاب مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی قائل هستند که وقت نماز مغرب، تا ذهاب حمرة مغریه است و پس از آن، نماز مغرب قضاء می شود.

برخی نیز وقت نماز مغرب را تا ثلث لیل، و برخی نیز تا ربع لیل دانسته اند.

برخی از اصحاب نیز بین مختار و مضطر تفاوت قائل شده اند.

ولی مشهور قائل هستند که تا قبل از چهار رکعت باقی مانده به نیمه شب، نماز مغرب را می توان اقامه کرد.

سؤال: وقت نماز عشاء تا زمانی است که چهار رکعت به نیمه شب باقی باشد، یا تا زمانی است که هفت رکعت باقی باشد؟ به نظر می رسد باید هفت رکعت باقی باشد تا فرد بتواند نماز مغرب را بخواند و بعد هم نماز عشاء را در زمان اختصاصی خودش اقامه کند.

جواب: مقدار چهار رکعت باقی مانده تا نیمه شب، وقت اختصاصی نماز عشاءست، و تا قبل از آن، فرصت دارد که نماز مغرب را بخواند، بنابراین حتی اگر یک رکعت از نماز مغرب را هم در زمان خودش درک کند نمازش صحیح است. چون قاعده «من ادرک رکعة فقد ادرک الوقت» شامل او می شود.

منشأ اختلاف فتاوا در مورد انتهای نماز مغرب، اختلاف نصوص است، که برخی از این نصوص را خواندیم.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

طایفه اول از نصوص، موافق با قول مشهور بودند و دلالت داشتند که تا وقتی که به مقدار چهار رکعت به نیمه شب مانده باشد می توان نماز مغرب را بجا آورد.

طایفه دوم، نصوصی بودند که وقت نماز مغرب را تا ذهاب حمرة مغریه می دانستند.

صحیح زرارہ و فضیل در این طایفه است که دیروز بیان کردیم.

این صحیح صریح در این است که وقت نماز مغرب با ذهاب حمرة مغریه تمام می شود.

خبر اسماعیل بن مهران نیز با اینکه ضعف سند دارد ولی دلالتش روشن است که انتهای وقت نماز مغرب را زمانی می داند که حمرة مغریه از بین برود.

صحیح ذریح را نیز بیان کردیم و گفتیم که مراد از «وقت ثانی» در این روایت، به قرینه صحیح زرارہ و فضیل، همان وقت فوت است.

البته این، ظاهر روایت است، و خواهیم گفت که قابل حمل است، منتهی ظاهر روایت همین است که انتهای وقت نماز مغرب، هنگامی است که حمرة مغریه از بین برود.

روایت بعدی هم صحیح بکر بن محمد است که این را نیز قبلاً بیان کردیم که اول وقت نماز مغرب و پایان آنرا بیان کرده است، که این اول و آخر بر یک وزان است، یعنی اگر اول وقت را اولین وقت صحت و اجزاء بدانیم، آخر وقت هم آخرین وقت صحت و اجزاء خواهد بود.

این چهار روایت را می توان مستفیضه دانست، که دلالت بر قول مخالف دارند و پایان وقت نماز مغرب را ذهاب حمرة مغریه می دانند، منتهی روایات طایفه اول زیادتر هستند، و صاحب جواهر حتی تعبیر تواتر را در مورد آنها بکار برده است.

صاحب حدائق در مورد جمع بین روایات چنین فرموده است:

«الروایات قد استفاضت بان لكل صلاة وقتین و أول الوقتین أفضلهما كما تقدم شطر منها، و هذان الوقتان - بناء على المشهور كما تقدم تحقيقه - الأول منهما للفضيلة و الثاني للاجزاء و على القول الآخر الأول للمختار و الثاني لأصحاب الاعذار و

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

الاضطرار، و هذا - بحمد الله سبحانه - ظاهر من الاخبار و كلام علمائنا الأبرار لا يقبل الإنكار فالقول بالوقت الثالث خارج عن ذلك، و جعل الثاني للاجزاء و الثالث للاضطرار خارج عما تقرر في الاخبار في سائر الأوقات، إذ وصف الثاني بكونه وقت اجزاء كما هو المشهور أو وقت اضطرار كما هو القول الآخر يرجع الى أمر واحد و التغير انما هو بالاعتبار لا انهما وقتان متعددان»^۱.

طایفه اول از روایات را هنگامی که وقت مشترک را تشریح می کردیم بیان کردیم، که این روایات فوق حد استفاضه هستند، و شهرت روایی دارند، و دلالت بر این دارند که آخر وقت برای نماز مغرب، قبل از مقدار چهار رکعت به نیمه شب است.

علاوه بر این روایات، چند روایت دیگر هم داشتیم که اینها را هم خواندیم، که این روایات نیز دلالت داشتند.

در مجموع، این روایات در حد شهرت روایی هستند و بر این طایفه دوم که الان بیان کردیم مقدم هستند. مضافاً بر اینکه این طایفه دوم، موافق با عامه هم هستند.

البته این بحث، متفرع بر این است که تعارض مستقر باشد، و گرنه اگر این طایفه دوم را حمل بر وقت فضیلت کنیم نوبت به ترجیح نمی رسد.

در مقام جمع بین روایات، چند حمل می توان انجام داد. یکی حمل بر فضیلت است که الان بیان کردیم، به این معنا که طایفه اول، وقت مشروعیت را بیان می کنند، ولی طایفه دوم وقت فضیلت را ذکر کرده اند، یعنی با اینکه نماز مغرب را تا چهار رکعت قبل از نیمه شب می توان انجام داد، ولی افضل این است که تا قبل از ذهاب حمرة مغریه انجام بشود.

حمل دیگری که وجود دارد این است که نصوص طایفه دوم را که از خواندن نماز مغرب پس از حمرة مغریه نهی کرده اند، حمل بر کراهت کنیم.

حمل سوم این است که بگوییم نهی در این روایات به این معناست که اگر کسی به قصد طلب فضیلت، و به اعتقاد اینکه این کار فضیلت دارد، نماز مغربش را تا بعد از ذهاب حمرة مغریه به تاخیر بیندازد، کارش اشتباه است.

۱ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۱۸۸.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

این حمل سوم، موید روایی نیز دارد و مویدش، مرسل جازم صدوق است.

مرسل صدوق

قَالَ وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْمَغْرِبَ طَلَبًا لِفَضْلِهَا».^۲

این روایت دلالت دارد که اگر کسی به عقیده طلب فضیلت، نماز مغربش را به تاخیر بیندازد ملعون است.

این روایت، حدیث ششم در باب هجده است، و روایت هفتم این باب نیز مربوط به همین موضوع است.

در روایت هفتم چنین آمده که برخی از عامه این اعتقاد را داشتند و حتی در بین اهل عراق نیز شایع شده بود، و هنگامی که این مطلب را به حضرت نقل کردند ایشان فرمودند که اینها پیروان ابی الخطاب هستند.

حمل چهارم هم این است که نهی در این نصوص طایفه دوم که گفته اند نماز مغرب را پس از ذهاب حمرة مغریه بخوان، را می توان حمل بر این کرد که حضرت می خواهند نظر کسانی مثل ابی الخطاب را رد کنند که اینها قائل بودند که وقت مشروعیت نماز مغرب، پس از ذهاب حمرة مغریه است و تا وقتی که حمرة مغریه از بین نرفته است اصلاً نماز مغرب مشروع نیست.

این حمل هم چند موید روایی دارد.

صحیح ذریح

وَعَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَنْاسًا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي الْخَطَّابِ - يَمْسُونَ بِالْمَغْرِبِ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ قَالَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا».^۳

مراد از «متعمدا» این است که انسان این کار را با عمد و اعتقاد به اینکه اصلاً وقت مشروعیت نماز مغرب آن زمان است انجام بدهد.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۷، أبواب المواقیف، باب ۱۸، ح ۶، ط الإسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۸، أبواب المواقیف، باب ۱۸، ح ۱۲، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

بنابراین برای جمع بین نصوص، چهار نوع حمل را در مورد طایفه دوم از این روایات بیان کردیم.

اما اگر کسی اصرار داشته باشد که تعارض مستقر است و قابل جمع نیستند، در این صورت باید نصوص طایفه اول را مقدم کرد. چون نصوص طایفه دوم کم هستند و شاید به حد استفاضه برسند، ولی نصوص طایفه اول بسیارند و به تعبیر صاحب جواهر در حد تواتر هستند، و شهرت فتوایی و روایی دارند و همچنین مخالف عامه هم هستند.

انتهای وقت نماز عشاء

در مورد انتهای وقت نماز عشاء نیز بین اصحاب اختلاف شده است.

مشهور قائل هستند که انتهای وقت نماز عشاء نیمه شب است، ولی برخی گفته اند که تا ثلث لیل است، و برخی گفته اند که تا ربع لیل است. یعنی باید بین غروب شرعی تا طلوع فجر صادق را حساب کنند، و بینند که چند ساعت است، و طبق قول مشهور، نصف این مدت را وقت نماز بدانند، و طبق اقوال دیگر تا ثلث یا ربع را به عنوان وقت نماز حساب کنند.

صاحب جواهر در اینجا هم نصوص داله بر قول مشهور را در حد تواتر دانسته و فرموده است:

«لكن لا يخفى عليك أنه لا يسوغ للفقهاء الالتفات إلى هذه في مقابلة ما دل على النصف من النصوص التي يمكن دعوى تواترها، بل هي كذلك، و الكتاب و الإجماع المحكي المؤيد بالشهرة العظيمة التي يمكن دعوى بلوغها حد الإجماع، بل لعلها كذلك»^٤.

بنابراین ایشان برای قول مشهور ادعای اجماع کرده و نصوص این قول را هم متواتر دانسته است، و قول به ثلث یا ربع، مخالف اجماع و نصوص متواتر هستند.

عرض ما این است که اگر کسی از تواتر بخواهد تنزل کند، لااقل شهرت روایی عظیم داریم.

نصوص داله بر قول مشهور

^٤ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٧، ص ١٥٦.

صحیحه بکر بن محمد

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي - فَهَذَا أَوَّلُ الْوَقْتِ وَ آخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ وَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ آخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ»^٥.

قبلا در مورد وقت مشترک نماز مغرب و عشاء بحث کردیم و روایات را مطرح کردیم و علاوه بر آن روایات، روایات دیگری نیز در اینجا آورده ایم، مثل موثقه ابی بصیر، و معتبره عبید بن زرارہ و ... که این نصوص دلالت بر قول مشهور دارند و انتهای وقت نماز عشاء را نیمه شب بیان می کنند.

نصوص قول به ثلث لیل

صحیحه ذریح

وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَتَى جَبْرِئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأَعْلَمَهُ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ فَقَالَ صَلِّ الْفَجْرَ حِينَ يَنْشَقُّ الْفَجْرُ وَ صَلِّ الْأُولَى إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ صَلِّ الْعَصْرَ بُعِيدَهَا وَ صَلِّ الْمَغْرِبَ إِذَا سَقَطَ الْقُرْصُ وَ صَلِّ الْعَتَمَةَ إِذَا غَابَ الشَّفَقُ ثُمَّ أَتَاهُ مِنَ الْعَدِ فَقَالَ أَشْفِرُ بِالْفَجْرِ فَأَشْفَرُ ثُمَّ أَخَّرَ الظُّهْرَ حِينَ كَانَ الْوَقْتُ الَّذِي صَلَّى فِيهِ الْعَصْرَ وَ صَلَّى الْعَصْرَ بُعِيدَهَا وَ صَلَّى الْمَغْرِبَ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ وَ صَلَّى الْعَتَمَةَ حِينَ ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ ثُمَّ قَالَ مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْوَقَّتَيْنِ وَقْتُ الْحَدِيثِ»^٦.

مراد از «ما بین هذین الوقتین وقت» این است که وقت نماز عشاء، ما بین سقوط شفق یعنی ذهاب حمره مغریه، تا ثلث لیل است.

موثقه ابی بصیر

^٥ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٢٧، أبواب المواقیت، باب ١٦، ح ٦، ط الإسلامیة.

^٦ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١١٦، أبواب المواقیت، باب ١٠، ح ٨، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «لَوْ لَا أَنِّي أَخَافُ أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَرْتُ الْعَتَمَةَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ وَ أَنْتَ فِي رُخْصَةٍ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَ هُوَ غَسَقُ اللَّيْلِ فَإِذَا مَضَى الْغَسَقُ نَادَى مَلَكًا مِنْ رَقَدَ عَنْ صَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَا رَقَدَتْ عَيْنَاهُ».^۷

به این روایت استدلال کرده اند و گفته اند که وقت نماز عشاء تا ثلث لیل است.

به نظر ما این روایت چنین دلالتی ندارد، بلکه معنایش این است که فضیلت به این است که تا ثلث لیل خوانده شود.

شبهه روایتی که در مورد مسواک زدن وارد شده است که فرمود: «لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ وُضُوءِ كُلِّ صَلَاةٍ».^۸ که این روایت دلالت بر فضیلت مسواک زدن دارد.

در مورد نماز عشاء هم فضیلت به این است که تا ثلث لیل خوانده شود.

علاوه بر این، در خود همین روایت نماز عشاء، تصریح شده است که «و انت فی رخصة الى نصف الليل». بنابراین برای قول به ثلث لیل، به این روایت نمی توان استدلال کرد.

مؤثقه ذریح

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: «لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَرْتُهَا يَغْنِي الْعَتَمَةَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ».^۹

این روایت هم مثل روایت دوم است و حمل بر وقت فضیلت می شود و دلالتی ندارد بر اینکه وقت نماز عشاء تا ثلث لیل باشد.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۵، أبواب المواقيت، باب ۱۷، ح ۷، ط الإسلامية.

^۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۳۵۴، أبواب السواك، باب ۳، ح ۴، ط الإسلامية.

^۹ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۵، أبواب المواقيت، باب ۱۷، ح ۱۰، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۹

بنابراین از میان این سه حدیثی که خواندیم، روایت دوم و سوم دلالتی بر ثلث لیل ندارند، ولی روایت اول که همان صحیحہ ذریح بود، می توان گفت که ظهور در این دارد که وقت مشروعیت نماز عشاء تا ثلث لیل است، ولی در عین حال قابل حمل بر وقت فضیلت نیز هست.

به هر حال اگر روایت اول را هم حمل بر وقت فضیلت کنیم که مشکل مرتفع می شود، و همچنین اگر اصرار بر تعارض داشته باشیم نصوص قبلی که دلالت بر قول مشهور دارند مقدم می شوند. چون شهرت روایی دارند، و حتی صاحب جواهر ادعای تواتر نیز کرد.

بنابراین به نظر ما حق با مشهور است و انتهای وقت نماز عشاء، نیمه شب است.